

بررسی قاعده‌الواحد از دیدگاه علیقلی بن قرچغای خان

مهدی عسگری^۱، منصور نصیری^۲، یوسف دانشور نیلو^۳

چکیده

قاعده‌الواحد در تاریخ تفکر اسلامی همواره مورد توجه فیلسوفان و متکلمان بوده است؛ عده‌یی به اثبات این قاعده و گروهی به نقد و رد آن همت گماشته‌اند. یکی از فیلسوفانی که به نقد این قاعده پرداخته علیقلی بن قرچغای خان ترکمانی، از شاگردان ملارجبعلی تبریزی است. او ابتدا سه برهان در اثبات قاعده از ابن‌سینا نقل کرده و سپس به بررسی و نقد آنها پرداخته است؛ برهان چهارمی نیز خود به این براهین افزوده است. بعقیده وی نکته کلیدی که در این برهانها نادیده گرفته شده، علم و نحوه ارتباط آن با ذات واجب‌الوجود است. ذات بسیط واجب عین علم به ماهیات است و ذاتی که به خود و به ماسوای خود علم و قدرت دارد و این علم عین ذات اوست، میتواند کثیر صادر کند. این نوشتار با روش تحقیق و نقد روش تاریخی و عقلی به تبیین و بررسی و نقد نظر این فیلسوف گمنام مهم عصر صفوی درباره قاعده‌الواحد میپردازد. بررسی

۱۷۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۹/۲۷

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول)؛

mehdiaskari1371@gmail.com

۲. دانشیار گروه فلسفه پردیس فارابی دانشگاه تهران؛ nasirimansour@ut.ac.ir

۳. استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛ yousef.daneshvar@gmail.com



نشان میدهد که هرچند او تا حدودی توانسته برهانهای ابن‌سینا را واکاوی کند اما نگاه او جامع نبوده است.

کلیدواژگان: الواحد، صدور، علیقلی بن قرچغای خان، صادر اول، سنخیت.

* * *

مقدمه

قاعده الواحد از قواعد مهم فلسفی و کلامی در عالم اسلام است که سبب نزاعهای متعددی میان متکلمان و فیلسوفان شده است. بر اساس این قاعده، واجب‌الوجود تنها یک معلول بلاواسطه از خود صادر میکند و سایر موجودات بصورت سلسله مراتب از یکدیگر صادر میشوند. یکی از فیلسوفانی که درباره این قاعده تأمل و بحث کرده، علیقلی بن قرچغای خان ترکمانی، از فیلسوفان ناشناخته عصر صفوی است.

از زندگانی قرچغای خان اطلاعات اندکی در دست داریم. با توجه به اشاراتی که خود در برخی از آثارش کرده است، میتوان سال تولدش را ۱۰۲۰ یا ۱۰۲۵ ق. دانست. حدس این تاریخ بر اساس اشاری است که در ضمن بحث از ماهیت نور به عمر خود کرده است: «حقیقت و ماهیت نور و شعاع بصری موجود به وجود خاص که موضوع علم مناظر و مرایاست، تا حال تحریر که عمرم به شصت و شش سال رسیده است، در کتب حکمای متقدمین و متأخرین ندیده‌ام» (قرچغای خان، ۱۳۷۷: ۱/ ۵۲۹). سال وفات او نیز مشخص نیست^{۱۷۶} اما با اشاره خود او، میدانیم که تا سال ۱۰۹۱ زنده بوده است (همان: ۱۶۸/۲). قرچغای خان تنها از ملارجبعلی تبریزی بعنوان استاد خود نام برده است (همان: ۱/ ۱۷۰) اما برخی ملاشمسا گیلانی و محقق خوانساری را نیز از اساتید وی دانسته‌اند (آقابزرگ، ۱۴۳۰: ۸/ ۲۶۶؛ امین، ۱۴۰۳: ۸/ ۲۶۸). قرچغای خان آراء متعددی در حوزه طبیعیات و الهیات دارد که عمده آنها در

